

طالبان پاکستان: علل پیدایش، ماهیت و چالش‌های امنیتی

حمید احمدی*

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

آرش بیدالله خانی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۲۲ - تاریخ تصویب: ۹۰/۲/۱۹)

چکیده:

در یکی دو دهه اخیر بنیادگرایی و فرقه‌گرایی مذهبی در جنوب آسیا از جمله پاکستان از رشدی چشم‌گیر برخوردار بوده است؛ به طوری که این کشور امروزه به مرکز بنیادگرایی و افراطی‌گری در آسیا شهره است. یکی از جلوه‌های افراطی‌گری در پاکستان، شکل‌گیری گروهی است که به اصطلاح طالبان پاکستان یا تحریک طالبان پاکستان نامیده می‌شود. این گروه به لحاظ ریشه‌ها، ایدئولوژی و جهت‌گیری عینی پیچیدگی خاص دارد و با القاعده و طالبان افغانستان از منظر تشکیلاتی و فکری گره خورده است. بر همین اساس، مقاله حاضر استدلال می‌کند، عوامل و بسترهای بوجود آورنده طالبان پاکستان و ساختار داخلی و عملیاتی این گروه که در جستار پیش‌رو تجزیه و تحلیل می‌شود؛ می‌تواند در آینده نظم و امنیت داخلی پاکستان و به تبع آن بر کل منطقه تاثیرگذار باشد و آن را به چالش بکشد.

واژگان کلیدی:

طالبان، پاکستان، بنیادگرایی، امنیت، مذهب، افغانستان

مقدمه

بررسی گروه طالبان پاکستان بدون بررسی جنبش طالبان بی‌معنی است و این دو گروه، یعنی تحریک طالبان پاکستان و طالبان افغانستان از منظر ساختاری و ایدئولوژیک به هم پیوند خورده‌اند. اصطلاح طالبان در ابتدا برای توصیف سازمانی نظامی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در واقع پس از اینکه جنبشی به نام طالبان در پاییز سال ۱۹۹۴ از مرز اسپین بلوک پیشروی سریع و غیر قابل انتظار خود را به سوی شهر مهم و راهبردی قندهار، موطن سلاطین ۲۵۰ ساله افغانستان شروع کرد. حرکت آنها، ناظران و تحلیلگران داخلی و خارجی را سخت دچار شگفتی ساخت (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۴). کمتر کسی می‌توانست تصور کند که جنگ‌های دامنه‌دار داخلی در افغانستان که تاکنون تلفات و ویرانی‌های بی‌شمار به همراه داشته است، بدون اینکه تغییری در توازن قوایین طرف‌های دیگر بوجود آورده باشد روزی به دست گروهی ناشناخته و نو به پایان خود نزدیک شود (عارفی، ۱۳۷۸: ۱۹۱). طالبان با شعار مبارزه با مشکلاتی که گروه‌های جهادی افغانی برای مردم ایجاد کرده بود، اعلام موجودیت کرد و اهداف خود را چنین اعلام کرد: ۱- خلع سلاح گروه‌های مجاهدین درگیر در جنگ داخلی؛ ۲- توقف تولید، فروش و حمل و نقل تریاک؛ ۳- مبارزه با فساد اداری، ناامنی و بزهکاری‌های روزافزون اجتماعی. ولی آرمان‌نهایی آنها ایجاد یک دولت اسلامی مبتنی بر برداشت‌ها و تفاسیر غیر منعطف از اسلام بود (www.armans.info).

با توجه به این آرمان می‌توان فهمید که اکثر اعضای تشکیل دهنده طالبان از محیط فکری پاکستان تأثیر پذیرفته‌اند. آرمان ایجاد نظام اسلامی هدف اکثر گروه‌های اسلامی در درون پاکستان بعد از استقلال این کشور بوده است. ناکامی ایجاد نظام اسلامی در پاکستان و سرخوردگی گروه‌های اسلامی باعث شد که آنها از محیط داخلی پاکستان ناامید شوند و آرمان خود را در کشور همسایه (افغانستان) جستجو و عملی کنند (موتقی، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۴۳).

بدین صورت، این گروه‌ها با حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی و سیاسی پاکستان بستر شکل‌گیری طالبان افغانستان را شکل دادند که بعدها موفق به روی کار آوردن دولت در بخش‌هایی از افغانستان شدند. بستر شکل‌گیری طالبان پاکستان، از نظر جغرافیایی و اجتماعی، مناطق قبایل پشتون‌نشین پاکستان و افغانستان است. غالب آنها پشتون‌هایی هستند که در مناطق شمال غربی پاکستان در مرز با افغانستان زندگی می‌کنند. طوایف پشتون جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند که حتی در عصر حاضر بافت سنتی و بدوی خود را حفظ کرده است. سنن، آداب و رسوم در واقع، قوانینی نانوشته هستند که به شدت در این مناطق و بین این قبایل اعمال می‌شود. آن بخشی از آیین اسلام که تقویت‌کننده رسوم و آداب قومی باشد به شدت مورد

توجه و استفاده قرار می‌گیرد؛ اما عکس آن نیز صادق است، یعنی چه بسا احکام و قوانین دینی مغایر با آداب و رسوم که مطرود شده‌اند (Yadav, 2010:137).

حامیان طالبان افغانستان در مناطق قبیله‌ای پاکستان که به صورتی پیچیده با طالبان افغانستان گره خورده‌اند. آنها در واکنش به حضور نیروهای ارتش پاکستانی در این مناطق که از سال ۲۰۰۲ آغاز شد؛ خود به نیروهای طالبان مستقل تبدیل شدند. با حمله ایالات متحده به افغانستان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، بسیاری از مبارزین افغان و طالبان شامل اعضای القاعده به مناطق غرب و شمال غرب پاکستان فرار کردند و باعث بی‌ثباتی بیش از پیش این مناطق شدند. این بخش از پاکستان از آنجا که در سال‌های قبل مسیر پشتیبانی تدارکاتی مجاهدین افغان محسوب می‌شد؛ مملو از سلاح‌های سبک بود و به مکانی برای آموزش نیروی شبه نظامی تبدیل شده بود. به همین دلیل در این مناطق، همه افراد مسلح بودند. با ورود نیروهای القاعده و افغانی تبار در این منطقه و حمله آمریکا به افغانستان و همینطور حمایت پاکستان از حمله آمریکا در زمان مشرف و به محاصره درآوردن مناطق قبیله‌ای در پاکستان باعث شد تا جنبش طالبان محلی پاکستان شکل بگیرد. بر همین اساس، سوال اصلی ما در مقاله حاضر این است که چه عوامل و بستری باعث پیدایش طالبان پاکستان شده و اقدامات این گروه چه پیامدهایی می‌تواند برای امنیت پاکستان و به تبع آن منطقه داشته باشد. با توجه به این ما در بخش اول به عوامل و بسترهای ساختاری به وجود آمدن این گروه و منابع مالی آنها خواهیم پرداخت و در بخش دوم تاثیرات این گروه را با توجه به مسایل و مشکلات پیش آمده در پاکستان، بر امنیت داخلی و منطقه ای این کشور مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. عوامل ساختاری ظهور طالبان

به طور حتم همان طور که در مقدمه هم گفته شد بررسی عوامل اصلی شکل‌گیری جنبش طالبان پاکستان جدا از سیر تاریخی شکل‌گیری طالبان افغانستان کاری بیهوده است. در مورد شرایط ظهور طالبان پاکستان می‌توان به علل بسیار اشاره کرد. با نگاهی گذرا به ساختارهای جامعه پاکستان به این نتیجه خواهیم رسید که شرایط جامعه خود مهیا کننده ظهور و رشد طالبان بوده است. در واقع، ساختارهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و ... در کنار عوامل بیرونی به مثابه شرایط تسهیل کننده ظهور این پدیده بوده‌اند. شرایط موجود در جامعه پاکستان از جمله شکست طرح دولت و جامعه اسلامی، شرایط اسفبار اجتماعی و اقتصادی، متغیرهای ژئوپلیتیک، نقش اختلافات قومی و فرقه‌ای و نسلی از مردان جوان ناراضی که در سیستم مدارس سنتی غیر منعطف درس خوانده بودند؛ همگی باعث تسریع در روند شکل‌گیری این گروه شدند. با توجه به شرایط محیطی، ساختاری و سطح توسعه مناطقی

از پاکستان که پناهنگاه و محل ظهور گروه طالبان پاکستان است (شمال و شمال غربی پاکستان)، افزایش سطح توقعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم در این منطقه و عدم تغییر وضع موجود و نبود امکانات مقتضی باعث بروز ناامیدی در بین افراد جوانی شد که اکثرشان در مدارس مذهبی تحصیل می‌کردند. این احساس ناامیدی در بین این افراد به عنوان جرقه‌ای بود که آتش خشم آنها را روشن کند، این جرقه باعث شد تا با استفاده از شرایط بد اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی منحصر به فرد مذهبی مدارس دینی اهرمی خوب برای بسیج مردان ناراضی بشود. این بسیج ناراضیان از طریق ایدئولوژی دینی باعث شد تا جنبش طالبان در افغانستان و سپس پاکستان ظهور یابد. حمایت‌های مختلف درونی و بیرونی از جنبش طالبان به مثابه سوختی بود که این آتش را شعله‌ورتر و پایه‌های آن را تثبیت کرد (Sullivan, 2010: 98).

شکل زیر سیر این علل را نشان می‌دهد:



در زیر به توضیح هر یک از این عوامل خواهیم پرداخت.

الف- شکست طرح جامعه اسلامی، نظام اسلامی

اسلام‌گرایان پاکستان پس از نیم قرن سرمایه‌گذاری در عرصه انقلاب فکری و عملی به دلایل مختلف متوجه شدند طرح نظام اسلامی و جامعه اسلامی حداقل در کوتاه و میان مدت عملی نخواهد شد. شکست طرح ایجاد جامعه و نظام اسلامی خود معلول عوامل بسیار در جامعه پاکستان بود. از جمله ضعف ساختاری جنبش اسلامی در پاکستان، ضعف خردگرایی و نقدناپذیری، ایستایی در اندیشه سیاسی، اولویت بخشی این گروه‌ها به فعالیت مذهبی، جذب در نظام سیاسی دموکراتیک سکولار موجود که این خود قدرت و کارایی انقلابی بودن آنها را از بین می‌برد و آنها را تبدیل به احزاب محافظه‌کار می‌کند. عامل دیگر شکست این طرح،

فقدان رهبری اندیشمند سیاسی، خصومت در گفتمان مذهبی گروه‌ها، تعارض ایدئولوژی فرقه‌ای با واقعیت و عملکرد سیاسی و ... بود. تمام این عوامل باعث شد که جنبش اسلامی پاکستان و گروه‌های آن در رسیدن به هدف اصلی خود یعنی طرح دولت اسلامی شکست بخورد و به همین دلیل به فکر راه کارهایی دیگر برای رسیدن به هدفشان باشند (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

ب- شرایط اقتصادی و اجتماعی نابسامان

پاکستان ششمین کشور پر جمعیت دنیا و دومین کشور دارنده جمعیت مسلمان است. طبق آمار تخمینی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) پاکستان با جمعیتی حدود ۱۷۲ میلیون تن، ششمین کشور پر جمعیت از نظر نرخ رشد جمعیت است. براساس تخمین صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۵ کشور پاکستان در حدود ۴۰ میلیارد دلار بدهی خارجی به نهادهای بین‌المللی دارد (کتاب سبز وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸: ۲۳-۳۵). نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت ۱۷۲ میلیونی پاکستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند که این آمار مربوط به قبل از سیل پاکستان است و فجایی که سیل پاکستان به بار آورد خود گویای رشد این آمار خواهد بود. به گزارش سایت marketwatch اخیراً گروه توسعه تحقیقاتی Euro Asia، تحقیقی را در مورد ثبات اقتصادی و سیاسی کشورهای واقع در قاره آسیا و اروپا انجام داده است، که طبق این پژوهش کشور پاکستان به دلیل شرایط نابسامان و کسب رتبه ۶۶، بی‌ثبات‌ترین اقتصاد جهان معرفی شده است (مشهدی، ۱۳۸۶). اقتصاد پاکستان از آنجا که اقتصادی ارتشی است و مسئولین اقتصادی همه از بازنشستگان ارتش هستند، به همین دلیل هیچ وقت شفافیت لازم را نداشته است.

۲۰۰۰۰۰۰۰۰ کودک در شرایطی مشغول به کار هستند که اکثر موارد به شرایط بردگان شبیه است. نرخ بی‌سوادی در این کشور حدود ۶۸٪ است و تنها ۳۰٪ از بچه‌ها به مدرسه راهنمایی وارد می‌شوند. این شرایط اقتصادی و اجتماعی خود باعث بالا رفتن سطح انتظارات مردم شده و عدم تغییر شرایط جامعه افراد را ناامید کرده و باعث پیوستن آنها به گروه‌های مختلف بنیادگرا می‌شود (Lakshman, 2007). جامعه پاکستان و همینطور مناطقی که پناهگاه طالبان است هم از این قاعده مستثنی نیست. گروه تحریک طالبان جوانانی را جذب خود می‌کند که از افراد طبقه پایین جامعه هستند و همگی با نوعی احساس سرخوردگی و ناامیدی از شرایط جامعه به این گروه می‌پیوندند.

ج- اختلافات قومی، ساختار فرقه‌ای و مبانی اندیشه‌ای

سازمانهای دینی و مذهبی- سیاسی فعال در پاکستان از لحاظ سازوکار وجودی فاقد ساختار مناسب با اهداف خود هستند. از این رو، توازن بین ساختارها و سیاستهای آنها عمدتاً برهم خورده است. ساختار گروه‌های اسلامی آن کشور «ساختار فرقه‌ای است» که بر مبنای اعتقادات و باورهای خصمانه مذهبی خاص استوار شده است. بافت فرهنگی جامعه و نیز غلبه فرهنگ مذهبی به فرهنگ سیاسی در محافل دینی و توده‌ای، تبدیل پدیده‌های مذهبی به سیاسی و سیاسی به مذهبی را به شدت تسهیل کرده است (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). در این کشور آموزه‌های رادیکالیسم در بستر ایدئولوژی حاکم بر اندیشه دینی اهل سنت شکل گرفته است و هماهنگی کامل میان آنها وجود دارد؛ به طوری که پدیده رادیکال طالبانیسم در پاکستان نیز از ترکیب ایدئولوژی‌های فرق مذهبی دیوبندی و وهابیت ایجاد شده است که از فرقه‌های اهل سنت محسوب می‌شوند. سنت‌های قومی پشتون‌ها که با عنوان پشتو نوالی فرموله شده‌اند، با مکاتب سلفی و دیوبندی سازگار شده است. این گروه قومی اندیشه تشکیل کشور پشتون از مناطق تحت تسلط پاکستان و افغانستان را دارند؛ چرا که معتقدند این میهن تاریخی در سال ۱۸۹۳ بوسیله خط دیورند مرز میان هند بریتانیایی و افغانستان را تقسیم کرده و حال خواهان تشکیل مجدد آن هستند (<http://www.bu.edu/aiaa>). عامل دیگر که به رشد رادیکالیسم اسلامی کمک کرده است سازگاری ایدئولوژی وهابی با مکتب دیوبندی است. دیوبندی‌ها از زمان گشایش مدارسشان تا به امروز بیش از ۴۵۰ هزار مدرسه مذهبی در هند، پاکستان، آسیای میانه و همچنین افغانستان تاسیس کرده‌اند (کابلی، ۱۳۸۶). اتفاقی مهم که باعث شد، دیدگاه مکتب دیوبندی تقویت شود، تحولات افغانستان و اشغال این کشور بوسیله ارتش سرخ اتحاد شوروی بود. با وقوع این رویداد، موضوع جهاد مورد توجه قرار گرفت. مدارس مذهبی پاکستان مورد حمایت دولت قرار گرفتند و در تقسیم بین‌المللی کار در جهاد افغانستان، حمایت مالی مدارس مذهبی به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و در رأس آنها به عربستان سعودی و امارات متحده عربی واگذار شد (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

د- نظام آموزشی مدارس دینی

افزایش مدارس و همینطور تعداد طلاب علوم دینی عامل افزایش قدرت بنیادگرایی و جذب این طلاب بوسیله گروه‌های فرقه‌ای و بنیادگرا بوده است. چهار عامل اساسی در رشد مدارس مذهبی در پاکستان نقش داشته‌اند: ۱- قدرت‌یابی ژنرال ضیاءالحق؛ ۲- بحران کشمیر؛ ۳- بحران افغانستان؛ ۴- انقلاب ایران (عارفی، ۱۳۸۲: ۸۱). مهاجرین و طلبه‌هایی که در مدارس پاکستانی درس خوانده‌اند بعدها پایه تشکیلاتی گروه تحریک طالبان پاکستان را تشکیل دادند.

آنها نیز از اینکه مدارس مزبور مجانی بوده و در آن قرآن کریم و مسایل دینی تدریس می‌شود؛ به این مدارس پیوستند. بنابراین، نخستین نطفه شکل‌گیری آموزه‌های فکری طالبان در این مدارس شکل گرفت و سیستم آموزشی این مدارس و مواد آموزشی آن، به شدت آنها را تحت تاثیر قرار داد (Matinuddin, 1999:133). سیستم مدارس مذهبی بر مبنای نظام آموزشی، طالب بود که این به وضوح خود را در نامگذاری طالبان نشان می‌دهد. این نوع آموزش داعیه این را داشت که شریعت و فقه به همه مسائل پاسخ می‌دهند و احتیاج به بازبینی در شریعت برای پاسخ دادن به مقتضیات جدید نیست (Rubin, 1999:79-91).

ن- عامل ژئوپلیتیک

طالبان پاکستانی از لحاظ جغرافیایی متعلق به مناطق قبیله‌ای خودمختار فتا (FATA) Federally Administered Tribal Areas و ایالت سرحد شمالی هستند. منطقه کوهستانی فتا در شمال و شمال غربی پاکستان واقع شده که از غرب با افغانستان از طریق خط دیورند، از شرق با ایالت سرحد و پنجاب و از سمت جنوب با بلوچستان هم مرز شده است. ایالت مرزی سرحد شمال غربی هم که با نام ایالت سرحد شناخته می‌شود؛ به مرکزیت پیشاور یکی از چهار ایالت این کشور است. این ایالت دارای جغرافیای خشک و کوهستانی و دشت‌های سرسبز و وسیع است. هم‌بنظر جمعیت این ایالت حدود ۱۸/۵ میلیون نفر (براساس آمار سال ۱۹۹۸) و با وسعتی فعال ۷۴/۵۲۱ کیلومتر مربع و ۹/۳۶ درصد از خاک پاکستان را تشکیل داده است (www.mfa.gov.ir).

وسعت ایالت سرحد و کوهستانی بودن آن موجب محدودیت در ایجاد شبکه‌های ارتباطی و جدایی مناطق قبیله‌ای و خود مختار از مناطق و مراکز فرهنگی و تمدنی شده و نتیجه چنین جدایی بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و به دور از فرهنگ و تمدن از سوی مردم ساکن این نواحی است. طالبان پاکستان نیز از وجود کوهها در شمال و شمال غربی این کشور برای انجام عملیات خود بهره‌برداری می‌کنند (معاونت پژوهشی موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۸: ۴۰-۱۵). این مناطق فتا (FATA) پایگاه اصلی طالبان پاکستان است که با توجه به ساختار این مناطق می‌توان فهمید که به چه علت روند عضوگیری و آموزش و همچنین خشونت‌ورزی آنها در این چند ساله در این مناطق بوده و به شدت افزایش یافته است. همچنین در این مناطق خرید و فروش و دستیابی به انواع سلاح‌های مختلف به راحتی انجام می‌گیرد.

ر. نقش حمایت‌های بیرونی و درونی در شکل‌گیری طالبان پاکستان

با توجه به نقش مهم خود پاکستان و گروه‌های مختلف مذهبی و سیاسی آن در شکل‌گیری جنبش طالبان و همچنین کشور عربستان سعودی در شکل‌گیری و حمایت از این گروه؛ در اینجا به نقش این دو کشور خواهیم پرداخت. میزان حمایت دولت و گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی پاکستان در نضج و شکل‌گیری طالبان و همینطور حمایت از آنها بعد از فروپاشی نظام سیاسی طالبان در افغانستان به قدری گسترده بوده است که برخی نویسندگان پاکستان را پدر خوانده طالبان نامیده‌اند. در واقع، شکل گرفتن طالبان در افغانستان در زمان جنگ با شوروی حمایت صریح پاکستان و تأیید ضمنی ایالات متحده و همینطور حمایت گسترده مالی عربستان و امارات متحده رادر پی داشت (Maass, 1999:49, Goodson, 2001:81).

تمام شواهد این ادعا را تأیید می‌کند که حمایت خارجی در رشد و هدایت اولیه گروه طالبان نقش داشته است. در واقع، حمایت پاکستان و عربستان از گروه طالبان اولیه آن را به نیروی سیاسی تمام عیار در کشور افغانستان تبدیل کرد. پس از شکست و فروپاشی حکومت طالبان در افغانستان، پشتیبانی خارجی از طالبان به صورتی پیچیده‌تر ادامه یافت (Maass, 1999:69). بعد از کودتای نظامی مشرف و به دست گرفتن قدرت و فروپاشی طالبان راهبرد امنیتی دولت پاکستان به دلیل مشارکت در جنگ افغانستان و همکاری با دولت آمریکا به کلی تغییر کرد و پاکستان به دلیل امتیازاتی که همکاری با آمریکا برای آنها داشت دست از حمایت تعدادی از گروه‌های تروریستی برداشتند. اما این در و واقع سرآغاز راه بود چرا که با قدرت گرفتن ارتش و سازمان اطلاعات (ISI) (Inter-Services Intelligence) دوباره حمایت درونی و بیرونی از گروه‌ها شکلی پیچیده‌تر پیدا کرد. ارتش پاکستان با طایفه‌ها و احزاب ارتباطی بسیار نزدیک دارد؛ زیرا به اعتقاد ژنرال‌ها، این گروه‌ها، منبع تامین نیروی انسانی برای کشمیر هستند (پویان، ۱۳۸۷). سازمان امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۷ اسناد و مدارکی محرمانه را از حمایت‌ها و پشتیبانی جدید پاکستان و سازمان اطلاعات ارتش (ISI) از نیروهای افراط‌گرا از جمله طالبان پاکستان و همینطور شبه نظامیان کشمیری و دیگر گروه‌های تندرو پشتون ارائه داده است (www.gwu.edu).

کشور بعدی که شاید مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری گروه‌های افراط‌گرا در پاکستان و از جمله گروه تحریک طالبان داشته؛ عربستان سعودی است. وهابیان سعودی از شهریور ۱۳۶۸، به بهانه کمک‌های آموزشی و انسان دوستانه به مهاجران افغان ایالات بلوچستان، مراکزی متعدد تحت عنوان، موسسه الدعوة الاسلامیه، اداره الاسراء، موسسه مکتبه المکرمة الخیریة و موسسه المسلم تاسیس کردند و از طریق کمک‌های مالی، فرهنگ ضدشعیبی وهابیت و سیاست‌های خود را تبلیغ می‌کردند. در دوره جنگ افغانستان (۱۹۷۹-۱۹۹۲) زمانی که

پاکستان نیاز شدید به کمک‌های عربستان داشت؛ این کشور سلطنتی به صورت گسترده به حمایت از پاکستان پرداخت. در واقع عربستان در اوایل دهه ۸۰ میلادی برای مقابله با نفوذ ایران بر شیعیان پاکستان وارد عمل شد (Latif, 2008, :10).

در دوره حکومت ضیاءالحق، فعالیت‌های تبلیغی - مذهبی عربستان سعودی به بالاترین حد خود رسیده بود که همین فعالیت‌ها بعدها باعث نضج و شکل‌گیری بسیاری از گروه‌های تندرو از جمله تحریک طالبان پاکستان شد. عربستان سعودی با کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم به گروه‌های شبه نظامی پاکستان از جمله تحریک طالبان اهداف خود را در منطقه پیش می‌برد. یک روزنامه‌نگار پاکستانی به نام عزار سید در سال ۲۰۰۹ طی مقاله‌ای فاش کرد؛ آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید با سران طالبان مذاکره کنند و این مذاکره باید از طریق لابی‌های سازمان اطلاعاتی پاکستان و عربستان جریان یابد (www.yadgarafghan.com).

۲. طالبان پاکستان، گونه شناسی، ساختار، جهت‌گیری و اهداف

با توجه به پیچیدگی ساختار درونی و همین‌طور ارتباطی طالبان پاکستان با دیگر گروه‌ها به سختی می‌شود آنها را بر مبنایی خاص تجزیه و تحلیل کرد. چرا که این گروه به طور قابل توجه با گروه‌های دیگر در مناطق مختلف پاکستان و افغانستان و همچنین آسیای مرکزی رابطه تنگاتنگ دارد و از لحاظ تشکیلاتی و عملیاتی همیشه در حال تبادل اطلاعات میان گروه‌های دیگر است. در مورد گونه شناسی طالبان همان‌طور که گفته شد؛ اگر چه آنها طیفی وسیع از نیروهای مختلف را در برمی‌گیرند؛ اما دو طیف از این نیروها در حال حاضر در پاکستان قابل شناسایی هستند که این دو گروه در واقع چارچوب و استخوان‌بندی اصلی و ریشه‌ای طالبان را تشکیل می‌دهند. گروه اول، عبارت است از تحریک نفاذ شریعت محمدی که هدفش اجرای قانون شریعت و مبارزه با قوانین دولت مرکزی بود. رهبر این گروه روحانی تندرو، صوفی محمد است (www.satp.org). گروه دوم را هواداران ملا نذیر تشکیل می‌دادند. ملا نذیر یکی از فرماندهان با نفوذ طالبان در وزیرستان است که ده هزار فرد مسلح را تحت فرمان دارد. ملا نذیر تا سال ۲۰۰۱ در کنار طالبان افغان ماند و سپس نیروهای طالبان پاکستانی را در وزیرستان جنوبی ضد واشنگتن سازمان داد (Bakier, 2009).

بسیاری معتقدند مشخص کردن تعداد گروه‌های تروریستی فعال در پاکستان که با طالبان پاکستان همکاری می‌کنند، کاری دشوار است؛ اما به طور کلی می‌توان این گروه‌ها را به ۴ دسته تقسیم کرد که بوسیله اشلی تلیس از کارشناسان بنیاد کارنگی ارائه شده است. این گروه‌ها عبارتند از: گروه‌های فرقه‌ای مانند سپاه صحابه، گروه‌های ضدهند مانند جیش محمد و حرکت المجاهدین که با (ISI) در ارتباط هستند. طالبان افغانستان و القاعده و

گروه‌های وابسته به آن (Hassan, 2005: 35). همچنین طالبان پاکستان در مواقعی در ماموریت‌های برون مرزی با القاعده همکاری می‌کنند. آنها هدف و دستور کار نهایی خود را مانند القاعده، جهاد جهانی قرار داده‌اند (Synovitz, 2008: 14).

تحریک طالبان پاکستان در واقع همان تندروهای ساکن مناطق قبیله‌ای مختلف پاکستان (FATA) بودند که افرادی مانند بیت الله محسود در وزیرستان جنوبی، مولانا فقیر محمد و مولانا قاضی فضل الله از گروه تحریک نفاذ شریعت محمد رهبری این تندروها را بر عهده داشتند. بر اساس برخی تخمین‌ها طالبان پاکستان به طور کلی حدود ۳۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ عضو دارد. در میان اهداف اعلام شده آنها جهاد دفاعی علیه ارتش پاکستان، اجرای شریعت و حرکت به سمت اتحاد علیه نیروهای ناتو مستقر در افغانستان هم به چشم می‌خورد (Abbas, 2005: 105). در دسامبر سال گذشته مقامات پاکستانی رهبر این گروه محسود را متهم به قتل بی‌نظیر بوتو کردند. همچنین محسود به دلیل نقشی که در چندین بمب‌گذاری انتحاری در شهرهای مختلف داشته است، بشدت تحت پیگرد قانونی بود. پرویز مشرف در زمان ریاست جمهوری خود اغلب بمب‌گذاری‌هایی که در پاکستان انجام می‌شد را به محسود نسبت می‌داد. در اواخر ماه مارس سال ۲۰۰۹ واشنگتن اعلام کرد ۵ میلیون دلار برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری محسود شود، پاداش تعیین کرده است. اوج شهرت او در ترور بی‌نظیر بوتو بود (Ibid: 12). همچنین محسود در سال ۲۰۰۹ مسئولیت تیراندازی‌ها و بمب‌گذاری در مرکز مهاجرت شهر نیویورک را برعهده گرفت؛ اما پلیس فدرال آمریکا نقش وی را در این حملات تکذیب کرد (www.bbc.co.uk).

در روز ۷ اوت ۲۰۰۹ منابع امنیتی آمریکا اعلام کردند محسود در حمله هواپیماهای بدون سرنشین سازمان سیا کشته شده است. این خبر با تأیید مقامات پاکستانی همراه بود به گونه‌ای که شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان اذعان کرد که با ۲۰۰ درصد اطمینان می‌گوییم که او کشته شده است. کشته شدن محسود به این دلیل، ضربه‌ای بزرگ بر پیکر طالبان وارد آورد که او حلقه واسط میان القاعده، شبه نظامیان پاکستانی، شبه نظامیان قبیله‌ای و طالبان افغانستان بود. پس از مرگ بیت الله محسود، حکیم الله معاون وی به رهبری این گروه شبه نظامی رسید (www.bbc.co.uk, 2009). حکیم الله را می‌توان یکی از صریح‌ترین رهبران طالبان دانست که به طور مرتب بیان می‌کرد هدف اصلی جنبش او جنگ فرسایشی علیه ارتش پاکستان به منظور ایجاد امارت پشتون طالبان در پاکستان و جهاد جهانی علیه کفر است. او در اواخر سال ۲۰۱۰ م بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا کشته شد (www.Rfi.fr). همچنین رسانه‌های خصوصی پاکستان به نقل از گروه طالبان در وزیرستان شمالی گزارش داده‌اند که این گروه

یکی از چهره‌های ارشد طالبان پاکستانی به نام ملا طوفان را به رهبری گروه طالبان انتخاب کرده است. این انتخاب از سوی شورای طالبان صورت گرفته است (www.afmonitor.com). در سال ۲۰۰۷ بیش از ۵۰ عملیات انتحاری بوسیله طالبان و گروه‌های وابسته به آنها انجام شد؛ در حالی که شمار این عملیات‌ها در پاکستان بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ به کمتر از ۳۰ مورد می‌رسید. همانند نسل گذشته، نسل جوان طالبان نیز موسیقی، تلویزیون و تجمل‌گرایی را غیراسلامی می‌داند و با آنها مبارزه می‌کند. داشتن ریش بلند برای مردان و پوشیه برای زنان در این مناطق اجباری است (Saeed shah and Johnson, 2008:21).

از جمله فعالیت‌های برون مرزی که گروه طالبان با همکاری القاعده داشته، می‌توان به طرح عملیات مایع (liquid plot) در سال ۲۰۰۶ اشاره کرد. در این طرح قرار بود مواد مایع منفجره‌ای در حداقل ۱۰ هواپیما که از انگلستان به آمریکا می‌رفت، منفجر شود. این طرح بوسیله پلیس بریتانیا قبل از اینکه عملیاتی شود ختشی و کشف شد و تمام افراد مظنون بازداشت شدند. همچنین گروه طالبان با همکاری القاعده عملیات‌های مختلف را در آلمان، دانمارک و اسپانیا در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ برنامه‌ریزی کرده بودند که همگی ختشی شدند (Gartenstien, 2007).

منابع مالی طالبان پاکستان

شناسایی منابع مالی طالبان یکی از اهداف دست نیافتنی واشنگتن از سال ۲۰۰۱ بوده است. همانطور که گفته شد، روابط پیچیده، طالبان و القاعده در تامین منابع مالی این گروه نقشی مهم دارد. نیروهای القاعده هنگامی که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر از افغانستان فرار کردند؛ با صدها هزار دلار سرمایه‌گذاری در وزیرستان جنوبی و مناطق مختلف دره سوات آنجا را به پناهگاه امن و تجهیزاتی خود تبدیل کردند. به گفته برخی از ناظران، مناطق قبیله‌ای پاکستان از جمله قبایل پشتون‌ها در منطقه (FATA) نه به دلیل وابستگی قومی و یا ایدئولوژیک و احساس همدردی با طالبان و القاعده بلکه به دلیل کمک‌ها و حمایت‌های مالی که این گروه‌ها از مردم منطقه کرده‌اند، با آنها همکاری می‌کنند (Seul hag khan and Nuri, 2005:8). القاعده همچنین در ماه ۲۵۰ دلار آمریکا به فرماندهان قبیله‌ای حقوق پرداخت می‌کند. طالبان پاکستان حکومتی خود مختار و موازی حکومت مرکزی در این مناطق (FATA) بوجود آورده است که قادر به جمع‌آوری درآمدی قابل توجه از مردم محلی از جمله مالیات، پول حفاظت و امثال آن است (Hassan, 2005:41). همچنین آدام‌ربایی و دزدیدن کامیون‌های ناتو از دیگر موارد تامین منابع مالی است که جزء همان فعالیت‌های تروریستی محسوب می‌شوند (Acharya and others, 2008:99).

به طور کلی، منابع مالی طالبان بی‌شمار است. به ویژه کمک از سوی هواداران محلی و خارجی، ربودن کامیون‌های ناتو، ربودن افراد عالیرتبه و سرمایه‌هایی که بوسیله آن دسته از جهادی‌هایی فرستاده می‌شود که در خارج زندگی می‌کنند یا در پاکستان تجارت می‌کنند (<http://centralasiaonline.com>). از دیگر منابع مالی طالبان قاچاق مواد مخدر، ارتباط با شبکه تجاری مافیای مواد مخدر و کمک کشورهای خلیج فارس از جمله عربستان، کویت، امارات و... است.

طالبان پاکستان و تاثیر آن بر امنیت داخلی و منطقه ای

امنیت در پاکستان طی سالهای متمادی بزرگ ترین معضل دولت بوده است. طالبان از زمان بوجود آمدن تا ۱۱ سپتامبر از موقعیتی مناسب نزد کشورهای حامی خویش برخوردار بود. در آن زمان، دولت پاکستان به دلیل شرایط رقابتی با هند و همینطور مسائل افغانستان وجود این گروه را لازم می‌شمرد و آن را تهدیدی علیه امنیت خود تلقی نمی‌کرد. لیکن پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و اعلام جنگ آمریکا و متحدین آن کشور علیه تروریسم بین‌المللی و متعاقب آن حمله آمریکا به افغانستان و برکناری طالبان از قدرت، نیروهای طالبان به آن سوی مرزهای افغانستان فرار کردند و در مناطق مرزی میان افغانستان و پاکستان مستقر شدند. پس از بروز اختلاف نظرهایی که در ناتو در مورد نحوه مشارکت کشورهای عضو آن در مبارزه علیه طالبان و دل مشغولی آمریکا در عراق بوجود آمد؛ طالبان در پاکستان فرصت بیشتر برای بسط و گسترش نفوذ یافت و سرانجام در پس اوضاع ناآرام پاکستان در سال ۲۰۰۲ موجودیت طالبان پاکستان اعلام شد. پرویز مشرف رئیس‌جمهور پاکستان در سال ۲۰۰۶ م به انعقاد قراردادی با طالبان مبادرت کرد که عملاً موجب شناسایی رسمی طالبان از سوی پاکستان شد (Latif, 2008:9). قرار دادی که در سال ۲۰۰۹ بین دولت زرداری و طالبان پاکستان منعقد شد؛ واجد امتیازاتی برای طالبان در مناطق تحت نفوذشان بود. دولت با این کار فکر می‌کرد می‌تواند امنیت داخلی مناطق قبیله ای را حفظ کند.

زرداری طبق مجوز مجلس به آن قرارداد تن داد. شرط مجلس برای این قرارداد آن بود که آنها باید در مناطق قبیله ای سلاح را کنار بگذارند و در عوض پاکستان به آنها اجازه خواهد داد تا احکام اسلام در منطقه دره سوات و مالاکنده که سه میلیون جمعیت دارد اجرا شود؛ اما این طرح شکست خورد (Ibid). تحولات اخیر پاکستان از جمله سیل ویرانگری که بیش از ۲۰ میلیون نفر را آواره کرده و همینطور تعداد زیادی کشته و خرابی بار آورد؛ این وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. این سیل در کنار مشکلات امنیتی، کشور بی‌ثبات پاکستان را از نظر سیاسی و دارای تحت تاثیر قرار داده که اصلی ترین مخفیگاه و مرکز جذب و پرورش

نیروهای بنیادگرا و تندروی القاعده و طالبان است. طالبان پاکستان با توجه به اقدامات و جهت‌گیری‌های تروریستی و بنیادگرایانه؛ علاوه بر اینکه باعث چالش‌های داخلی و امنیتی برای پاکستان می‌شوند به همان میزان منطقه را با چالش‌ها و تهدیدات بزرگ امنیتی روبه‌رو خواهند کرد. با توجه به پیوند تشکیلاتی میان این گروه و القاعده، آنها با حمایت‌ها و کمک‌های خود به القاعده باعث رشد اقدامات تروریستی و خشونت آنها در مناطق مختلف و رشد بنیادگرایی افراطی خواهند شد. طالبان با ترویج اسلام رادیکال و جذب افراد مختلف از کشورهای آسیای میانه، مانند تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و... از طریق مدارس دینی، به تقویت حرکات رادیکالی و بنیادگرایانه در منطقه آسیای مرکزی مبادرت می‌ورزند و بدین طریق امنیت این منطقه را با تهدیدات جدی روبه‌رو خواهند کرد (Revoll, 2007:5). آنها همچنین با جذب و آموزش تندرویان چچنی و اویغور با همکاری القاعده می‌توانند تهدیدی علیه امنیت روسیه و منطقه قفقاز محسوب شوند. طالبان پاکستانی از طریق خاک افغانستان و با همکاری طالبان افغانستان بسیاری از حملات و اقدامات تروریستی را علیه نیروهای خارجی و افراد سرشناس افغان انجام می‌دهند. همچنین با توجه به هم‌مرز بودن ایران و پاکستان، در چند سال اخیر مناطق خودمختار قبایلی پاکستان پناهگاه و محل امن آموزش و تردد گروه‌های تروریستی شده است که در نقاط مرزی علیه ایران فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها که اکثر آنها در مرزهای شرقی کشور فعالیت می‌کنند؛ در مناطق قبایلی پاکستان و در میان گروه‌های عضو طالبان آموزش می‌بینند و از افکار بنیادگرایانه آنها تاثیر می‌پذیرند و برای انجام اقدامات تروریستی در ایران برنامه‌ریزی می‌کنند. این گروه با برنامه‌ریزی و انجام اقدامات تروریستی در کشمیر و هندوستان به مذاکرات صلح هند و پاکستان هم ضربه زده است. پلیس هند، اقدامات تروریستی که در نوامبر سال ۲۰۰۸ باعث کشته شدن ۱۹۵ نفر از افراد بی‌گناه شد را به گروه لشکر طیبه نسبت داده است. این گروه یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده طالبان پاکستانی بوده است. گروه‌های تشکیل دهنده طالبان پاکستان همواره در کنار مبارزه جهانی و جهاد مقدس علیه کفر، هند را به عنوان یکی از دشمنان اصلی خود برای مبارزه قرار داده‌اند. با توجه به تمایلات ناسیونالیستی بعضی از گروه‌های عضو طالبان، آنها یکی از اهداف مبارزه را هند می‌دانند و علیه این کشور چه در کشمیر و چه در خاک هند دست به اقدامات تروریستی می‌زنند (Bajoria, 2010). همانطور که ملاحظه شد، طالبان با توجه به فعالیت‌ها و اقداماتشان، امنیت را در منطقه آسیای مرکزی، شبه قاره و کشورهای همسایه به خطر انداخته‌اند و چالش جدی برای امنیت داخلی و منطقه‌ای پاکستان هستند.

نتیجه

همانطور که ملاحظه می‌شود، طالبان پدیده‌ای است که طی فرآیندی ۲۰ ساله شکل گرفته و مهار و از بین بردن آن در کوتاه مدت و به ویژه صرفاً با اقدامات نظامی امکان‌پذیر نیست. پاکستان در موقعیتی متناقض در ارتباط با طالبان قرار گرفته است. از یک سو خطر تسلط طالبان را بر کشور احساس می‌کند و از سوی دیگر طالبان را به شکل فرصتی برای حفظ موجودیت کشور و به عنوان تنها کارت برنده در قبال همسایه خود افغانستان و مهم تر از آن رقیب و دشمن دیرینه خویش یعنی هندوستان تلقی می‌کند. به این ترتیب، معضل طالبان به نحوی با مشکلات وحدت سرزمینی پاکستان و سایر سیاست‌های منطقه‌ای این کشور مرتبط می‌باشد. روشن است که بازی دومینوی آمریکا و ناتو علیه طالبان و تروریسم القاعده با مشارکت پاکستان چند مرحله‌ای خواهد بود. در این بازی امنیت منطقه در گرو امنیت پاکستان است. آمریکا و ناتو اگر می‌خواهند علیه تروریسم القاعده و طالبان مبارزه کنند؛ در قدم اول باید به دنبال مشارکت پاکستان باشند و در این میان تا امنیت داخلی و ثبات بر پاکستان حاکم نشود؛ این مبارزه به نتیجه نخواهد رسید. در این میان باید دو اتفاق از جانب آمریکایی‌ها حادث شود تا پاکستان وقت بیشتر صرف امنیت داخلی خود و مبارزه با گروه‌های تروریستی بکند؛ یکی اینکه تکلیف بحران کشمیر مشخص شود و دیگری اینکه تکلیف خط دیوراند در بین مرز افغانستان و پاکستان روشن شود. مادامی که این دو مسأله که جزو مسایل حیاتی پاکستان است؛ حل نشود بعید به نظر می‌رسد که پدیده طالبان و رادیکالیسم در منطقه از بین برود. همچنین مقامات پاکستانی برای مبارزه با گروه‌های افراطی و تامین امنیت کشور باید با توجه به بحران‌های گریبانگیر داخلی، تلاش خود را صرف حل مشکلات مردم مناطق محروم و سیل زده کنند تا شرایط برای رشد بنیادگرایی فراهم نشود. دولت باید از بودجه نظامی خود بکاهد و آن را خرج امر تحصیل و آموزش علوم مدرن و جدید در مناطق محروم و قبیله‌ای پاکستان و صرف خدمتگذاری و افزایش امکانات در این مناطق بکنند تا گروه‌های افراطی از جمله طالبان و القاعده از این امر بهره‌برداری نکنند. ایجاد اشتغال در این مناطق یکی دیگر از راهکارهای مهار گسترش طالبان است. همچنین پاکستان می‌تواند با حمایت از گرایش‌های معتدل اهل سنت در کشورش و کمک به سازماندهی و گسترش مدارس که از خط مشی معتدل پیروی می‌کنند به همزیستی و تعامل با این مدارس و همچنین کنترل بنیادگرایی مبادرت ورزد. آمریکا همیشه نگران اوضاع داخلی پاکستان بوده است و این در صحبت‌های خانم کلینتون در سفر آخرش به پاکستان مشهود بود. او در سفرش به پاکستان نسبت به سلطه طالبان بر کل پاکستان هشدار داده بود. همچنین او گفته بود، سلاح‌های اتمی پاکستان هم اکنون بی‌خطر است، اما در واشنگتن درباره اینکه در صورت سرنگونی دولت این کشور بوسیله

نیروهای در حال پیشروی طالبان، چه پیش خواهد آمد؛ نگرانی‌هایی وجود دارد. سیل و بحران‌های پیش آمده در پاکستان و همینطور معادلات سیاسی، امنیتی و استراتژیک پاکستان با آمریکا، هند، انگلیس و افغانستان بر جهت‌گیری آینده طالبان تأثیری بنیادین برجای می‌گذارد و این روند معادلات امنیتی و سیاسی کل منطقه آسیای جنوبی، میانه و کشورهای همسایه پاکستان را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. احمدی، حمید، (۱۳۷۷) طالبان، ریشه‌ها علل ظهور و عوامل رشد، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، مرداد و شهریور، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲.
۲. عارفی، محمد اکرم، (۱۳۸۲) جنبش اسلامی پاکستان، بررسی عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی، قم: انتشارات بوستان کتاب قم.
۳. -----، (بهار ۱۳۷۸) مبانی مذهبی و قومی طالبان، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴ و ۵.
۴. معاونت پژوهشی موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، (۱۳۸۸) کتاب امنیت بین‌الملل، ویژه القاعده، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۵. موثقی، سیداحمد، (۱۳۸۶)، جنبش‌های اسلامی معاصر، ابراهیم برزگر (ویراستار)، تهران: انتشارات سمت.
۶. وزارت امور خارجه، (۱۳۸۸) کتاب سبز پاکستان، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

ب. اینترنتی:

- پویان، رسول (۱۳۸۷) "ماهیت افراط‌گرایی و راه حل بنیادین بحران افغانستان".
<http://www.ariaye.org/ketab/poyan.html>.
- سایت آسیای میانه آنلاین.
<http://centralasiaonline.com/cocoon/caii/xhtml/fa/features/caii/features/pakistan/201>.
- سایت افغانستان مانیتور، ملا طوفان سرکرده جدید طالبان پاکستان.
<http://www.afmonitor.com/?p=9>.
- سایت باشگاه نویسندگان افغان.
<http://www.armans.info/2010/04/28/3005.html?T2=%D>.
- سایت بی بی سی فارسی، بیوگرافی حکیم الله محسود.
http://news.bbc.co.uk/2/hi/south_asia/8219223.stm.
- سایت بی بی سی فارسی: بیت الله محسود زنده است.
www.bbc.co.uk/.../090808_nh_mehsud_not_dead.shtm.l
- سایت رادیو فرانسه، تکذیب کشته شدن محسود.
http://www.rfi.fr/actufa/articles/121/article_10692.asp.
- سایت یادگار افغان.
<http://www.yadgarafghan.com/da/1388/09/09/.htm>.
- کابل، کمال، جنبش دیوبندی، سایت باشگاه، لینک دسترسی:
<http://www.bashgah.net/pages-14872.html>.

- مشهدی رجیبی، مونا. (۲۸ مرداد ۱۳۸۶) اوضاع اقتصادی پاکستان، نگرانی بزرگ، سایت اینترنتی دیپلماسی ایرانی.

<http://www.irdiplomacy.ir/index.php?Lang=fa&Page=24&TypeId=3&ArticleId=535&Action=ArticleBodyView>.

-

نماینده جمهوری اسلامی ایران در پشاور پاکستان.

<http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/peshawar/fa/CulturalPart/PAKANDNWFPINFO.html>.

ج. خارجی:

1. Abbas, Hassan(2005) **/Pakistan's Drift into Extremism: Allah, the Army, and America's War on Terror** by. London: M. E. Sharpe., 276 pp.For.
2. Talibanization of Pakistan, see Hassan Abbas, "Increasing Talibanisation in Pakistan's Seven Tribal Agencies," *Terrorism Monitor* (8) (27 September 2007), available at http://www.jamestown.org/news/details.php?news_id=279.
3. Acharya , Arabinda, Bukhari, Syed Adnan Ali Shah and Sadia Sulaiman, (2009) **·Making Money in the Mayhem: Funding Taliban Insurrection in the Tribal Areas of Pakistan**. *Studies in Conflict & Terrorism*, Volume 32.
4. Number 2, February 2009 , pp. 95-108.
5. Bajoria, Jayshree, (2010) **Lashkar-e-Taiba (Army of the Pure) (aka Lashkar e-Tayyiba, Lashkar e-Toiba; Lashkar-i-Taiba)** linked available at: <http://www.cfr.org/pakistan/lashkar-e-taiba-army-pure-aka-lashkar-e-tayyiba-lashkar-e-toiba-lashkar--taiba/p17882>.
6. Bakier, Abdul Hameed, (2009) **Taliban Leader Mullah Nazir**, Defends Jihad in South Waziristan linked available at: [http://www.jamestown.org/single/?no-cache=1&tx_ttnews\[tt_news\]=34959](http://www.jamestown.org/single/?no-cache=1&tx_ttnews[tt_news]=34959).
7. **Documents Detail Years of Pakistani Support for Taliban, Extremists** (14 out 2007) <http://www.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB227/index.htm>.
8. Gartenstein, Daveed, (29 October 2007), **"While Pakistan Burns,"** *The Weekly Standard* 13(7) available at <http://www.weeklystandard.com/Content/Public/Articles/000/000014/253vpget.asp>.
9. Goodson, Larry .P (2001). **Afghanistan's Endless War: State Failure, Regional Politics, and the Rise of the Taliban**. Seattle, WA: University of Washington Press.
10. Hassan, Khalid **"Tribesmen Fought for Money, Not Al Qaeda,"** *Daily Times*, 17 February 2005 available at http://www.dailytimes.com.pk/default.asp?page=story_17-2-2005_pg7-55.
11. Lakshman, K. **"Pakistan Frontier State dotted with Extremist Encroachment,"** *Dur Desh*, 30 May 2007, available at <http://www.durdesh.net/news/Article602.html>.
12. Latif , Aamir **"Pakistan Militant Groups,"** *ISLAM ONLINE.NET*, 6 February 2008, available at <http://www.islamonline.net/servlet/Satellite?c=ArticleC&pagename=Zone-English-News/NWELayout&cid=1201957653055>.
13. Maass, Citha D. (1999). **'The Afghanistan Conflict: External Involvement'**, *Asian Survey* 18(1):p65- 79.
14. Matinuddin, Kamal, (1999). **The Taliban Phenomenon: Afghanistan 1994-1997**. New York: Oxford university press.
15. Revill , James (19 November 2007) **"Militancy in the FATA and the NWFP,"** *Pakistan Security Research Unit*, Brief No. 23, Publications university of Bradford.
16. Rubin, Barnett R., (1999). **'Afghanistan Under the Taliban'**, *Current History* 98(625): 79-91.
17. Saeed Shah and Tim Johnson, **"Pakistani Taliban Warlord Arises as Terrorist Leader,"** *McClatchy Newspapers*, 30 January 30 2008, available at <http://www.mcclatchydc.com/world/story/25687.html>.
18. See ul Haq Khan and Nuri, (March 2005) **Federally Administered Tribal Areas of Pakistan**, IPRI Paper10 (Islamabad: Asia Printers 2005).
19. Sullivan, DANIEL P. Tinder, **Spark, Oxygen, and Fuel: The Mysterious Rise of the Taliban**. 2007 of *Peace Research*, vol. 44, no. 1, 2007, pp. 93-108 .

20. Synovitz, Ron "Afghanistan: Al-Qaeda Bloggers' Sparring With Taliban Could Signal Key Differences," 12 March 2008, Eurasianet.org, available at <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/pp031208.shtml>.
21. **Tehreek-e-Nafaz-e-Shariat-e-Mohammadi** (Movement for the Enforcement of Islamic Laws) linked available at: <http://www.satp.org/satporgtp/countrie/pakistan/terroristoutfits/TNSM.htm>.
22. **toread full reporter of the conference-durand line conference** (November 2007) linked available at: http://www.bu.edu/aias/reports/durand_conference.pdf.
23. yadav, Vikash. (2010), **The Myth of the Moderate Taliban**. Asian Affairs: An American Review, 37:133-145.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"دولت و جامعه مدنی در تئوری روابط بین‌المللی"، سال ۷۶، شماره ۳۶ - "ساختارگرایی در نظریه روابط بین‌الملل، از والرشتین تا والتز"، سال ۷۶، شماره ۳۷ - "احیاء نظریه دولت در علوم سیاسی"، سال ۷۶، شماره ۳۸ - "دین و ملیت در هویت ایرانی"، سال ۸۴، شماره ۶۷ - "فرایندهای سیاسی - اجتماعی و ظهور گفتمان پست صهیونیسم در اسرائیل"، سال ۸۵، شماره ۷۱ - "ناسیونالیسم، مسئله هویت و دولت ملی در تئوری اجتماعی"، سال ۸۶، شماره ۴ - "پیوستار تاریخی جنبش‌های اجتماعی - سیاسی معاصر ایران"، سال ۸۷، شماره ۴ - "خاورمیانه و نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد"، سال ۸۸، شماره ۳ - "خرد سیاسی در شاهنامه فردوسی میانی و ساختارها"، سال ۸۹، شماره ۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی